

بررسی سیاسی تصوف در مصر

حمدی مصطفی^۱

ترجمه: سید قاسم ذاکری

چکیده

تصوف، شیوه فکری گروهی خاص از مسلمانان می‌باشد که بیش از هر چیز وانمود به تعبد و دنیاگریزی می‌کند، براساس تعریفی که در فرهنگ لغات عربی از تصوف ارائه شده، صوفی کسی است که وجود فانی‌اش در این دنیا به ذات ابدی و لایتناهی باری‌تعالی گره خورده باشد و به واسطه اتصال به حقیقت وجود از طبایع مادی و دنیایی رهایی یافته باشد. در مورد تاریخچه تصوف در اسلام، بسیاری پیدایش آن را قرن دوم هجری و از شهر کوفه دانسته‌اند. در هر حال امروز، تصوف یکی از گرایش‌های مهم فکری و دینی در چارچوب منظومه فکری و عقیدتی اسلامی و با پیروان بسیار، واقعیت خود را به قلمرو فرهنگی اسلامی تحمیل کرده است.

از منظر سازمانی، تشکیلات تصوف در سراسر جهان به دو بخش تشکیلات اداری و تشکیلات روحانی و مذهبی قابل تقسیم است؛ چنان که در مصر سلسله مراتب روحانی صوفیان از مرحله القاع (پایین‌ترین رتبه) شروع شده و به ترتیب به طبقه مریدان، نقبا، متدارکین، نجبا و در نهایت، به بالاترین درجه تصوف و عبودیت یعنی قطب خاتمه می‌یابد.

^۱ . نویسنده و محقق

تصوف و سیاست

با توجه به ماهیت دنیایی سیاست و همچنین وانمودسازی صوفیان به دوری از دنیا و آنچه غیر از خداست، ظاهراً باید رابطه‌ای میان سیاست و تصوف قابل تصور باشد؛ اما واقعیت خلاف آن است؛ چرا که صوفیان در ابتدایی‌ترین شکل ناچار خواهند بود، دست کم در تدبیر امور داخلی و تشکیلاتی خود نظیر انتخاب شیخ طریقت، اتخاذ تصمیم در چارچوب مشورت و انتخاب اعضای شورای مشورتی و... به تصمیم‌گیری و امور صرف دنیوی روی آورند. غیر از موارد یاد شده، عملکرد صوفیان در طول تاریخ تمدن اسلامی بهترین دلیل و نشانه توجه شدید ایشان به دخالت در امور سیاسی و دنیاداری بوده است (تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر مسائل مربوط به حکومت، سیاست و اداره امور جامعه).

غیر از موارد یاد شده، در خلال قرن گذشته، نقش مهم جماعات صوفی در مبارزه با استعمار در شمال آفریقا و سودان بر کسی پوشیده نیست. (نقش طریقه قادریه و عبدالقادر الجزایری در مبارزه علیه استعمار فرانسه در الجزایر و یا تشکیل قلمروهای مستقل از استعمار در لیبی توسط فرقه سنوسیه و یا نقش فرقه مهدیه در مبارزه علیه استعمار در سودان).

به دنبال اثرات زیانبار سیاسی و فرهنگی حوادث یازدهم سپتامبر، برخی جهات ذی نفوذ در دولت‌های اسلامی و همچنین بعضی عوامل قدرتمند جهانی، سعی در ارائه رویکردی جدید به تصوف به عنوان جایگزین تفکر تندروی و افراط‌گرایی اسلامی داشته‌اند؛ چنان که ایشان با استناد به خصلت صوفیان در تمسک به اصل شورا و مشورت و روحیه مدارا و مسامحه‌گونه ایشان (نوعی اومانیسم و انسان‌گرایی) در پی آن برآمده‌اند تا تصوف را بهترین پل ارتباطی گفت و گوی اسلام و غرب مطرح نموده و علاوه بر آن،

امکانات مشارکت نحله فکری مزبور در قدرت سیاسی را به طور جدی مورد بررسی قرار دهند. در هر حال، ظرفیت گسترده تاریخی و اجتماعی تصوف در جهان اسلام، باعث شده تا افرادی نظیر ایریک جیوفروی، شرق شناس فرانسوی، آینده سیاسی جهان اسلام را از آن تصوف بدانند. در این رابطه، قدرت در الجزایر و یا زیرساخت‌های گسترده قدرتیابی صوفیان در یمن، سودان، نیجریه و... مورد توجه صعود عبدالعزیز بوتفلیقه قرار گرفته است.

نهادهای مدنی تصوف در جهان اسلام

اکنون، صوفیان در اقصی نقاط جهان اسلام دارای مؤسسات سترگ و بزرگ مدنی به صورت نهادهای بین‌المللی خیریه اقتصادی و... بوده و در برخی کشورها مانند ترکیه، سودان، یمن، نیجریه و نظایر آن، مؤسسات مزبور از قدرت سیاسی و اجتماعی قابل توجهی برخوردار شده است. برای نمونه، تعداد پیروان فرقه تیجانیه در نیجریه دست کم ده میلیون نفر تخمین زده می‌شود و یا میلیون‌ها نفر در پاکستان وابسته به یکی از جماعات صوفی (مانند بریولیه) می‌باشند.

تصوف در مصر

تاریخچه تصوف در مصر

گفته می‌شود، تفکر صوفی‌گری ابتدا در دوران زمامداری طولونیان (سال ۲۵۴ هجری) وارد مصر شده و بعداً در عصر خلافت فاطمیان به اوج شکوفایی و رونق رسیده است (سیاست فاطمیان در دور نگه داشتن مردم از سیاست). پس از آن، در عصر ایوبیان دوباره ارزش‌های تصوف در مصر رونق یافته و بسیاری به تمایلات صوفی مآبانه

صلاح‌الدین ایوبی گرویده‌اند؛ چنان که تشکیلات ریاست و نظارت صوفیان، برای نخستین بار در مصر و در دوران حکومت صلاح‌الدین ایوبی پایه‌گذاری گردید. در هر حال، جایگاه صوفیان در دوران ممالیک نیز همچنان تقویت گردید؛ هر چند ممالیک شدیداً مراقب عدم دخالت صوفیان در سیاست بودند. در دوران عثمانی، تعداد فرقه‌های تصوف در مصر به ۲۰ فرقه افزایش یافت؛ به طوری که ناپلئون بناپارت هنگام ورود به مصر با توجه به اهمیت و جایگاه تصوف در میان مردم مصر، شیخ خلیل البکری را به سمت عضویت در هیأت حاکمه سیاسی مصر منصوب نمود. محمدعلی پاشا، پدر مدرنیسم در مصر، نیز در سال ۱۸۱۲ میلادی مبادرت به تمرکز تشکیلات صوفیه نموده و شیخ‌البکری را به سمت بالاترین مرجعیت تصوف در مصر تعیین کرد. در نیمه اول قرن بیستم میلادی، روابط صوفیان مصر با خدیو کشور، دوستانه و همراه با ارادت و فرمان‌پذیری متقابل بود و در پی انقلاب جولای (سرنگونی سلطنت در مصر) دولت مصر، تصوف را به عنوان جزئی از بافت طبیعی جامعه و مذهب کشور به رسمیت شناخته و حتی سعی نمود تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تصوف و جلب حمایت آنها نسبت به حاکمان جدید در راستای اهداف جدید خود از ایشان بهره‌برداری نماید. در همین رابطه، فرقه‌های جدید صوفی مانند فرقه ابحدیه در مصر شناسایی شد؛ به گونه‌ای که فرقه مذکور تبدیل به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سیاسی و اجتماعی عبدالناصر (به ویژه پس از شکست سال ۱۹۶۷) گردید. در دوران سادات، صوفیان و به ویژه فرقه نوپای ابحدیه شروع به فعالیت فرهنگی نوین مانند انتشار نشریه و مجله نموده و برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹، اقدام به انتشار مجله تصوف اسلامی نمودند.

وضعیت فعلی صوفیان در مصر

در حال حاضر، صوفیان مصر براساس قانون دولتی شماره ۱۱۸ که در سال ۱۹۷۶ میلادی به تصویب رسید، کلیه فعالیت‌های اجتماعی و دینی خود را اداره می‌نمایند؛ چنان که قانون مزبور، ناظر بر کلیه فعالیت‌های مختلف تصوف می‌باشد. مهم‌ترین محور قانون مزبور، تمرکز بخشی به امور صوفیان از فرقه‌های مختلف می‌باشد؛ بنابراین براساس این قانون، شورای عالی طریقه‌های صوفیه متشکل از ۱۶ عضو، به عنوان عالی‌ترین نهاد نظارت و تصمیم‌گیری در کلیه امور پیروان و مریدان صوفیه در نظر گرفته شده است و در همین رابطه، رئیس شورا که شیخ‌المشایخ صوفیه در مصر تلقی می‌شود، به طور مستقیم از طرف رئیس‌جمهوری و از میان قطب و شیوخ، یکی از طریقه‌های صوفیه منصوب می‌شود. ۱۰ عضو دیگر از اعضای شورای عالی طریقه‌های صوفیه توسط مجمع عمومی مشایخ صوفیه و از طریق رأی‌گیری در نهاد مزبور انتخاب می‌شوند (مجمع عمومی مشایخ صوفیه شامل نمایندگان تمامی فرقه‌های تصوف از سراسر مصر می‌باشد) و ۵ عضو باقی‌مانده شورای عالی طریقه‌های صوفیه، در واقع نمایندگان جهات خاص دولتی در شورا بوده که از طرف الازهر شریف، وزارت کشور، وزارت اوقاف، وزارت فرهنگ و شوراهای محلی تعیین می‌شوند.

اکنون، تعداد فرقه‌های صوفیه در مصر، بیش از ۷۰ فرقه برآورد می‌شود که مشهورترین و معتبرترین آنها فرقه «شاذلیه» می‌باشد؛ به طوری که شعبه‌های فرقه مزبور، در سراسر مصر بالغ بر ۶۰ شعبه می‌باشد. فرقه مهم دیگر تصوف، طریقه «رفاعیه»، می‌باشد.

مشکلات فعلی صوفیان در مصر

بنا بر اظهارات عبدالحمید عبداللطیف، دبیر کل شورای عالی طریقه‌های صوفیه در مصر، مشکلات مالی و اقتصادی مهم‌ترین معضل فرقه‌های صوفی می‌باشد؛ به گونه‌ای که فرقه‌های مزبور تنها از ۱۰ درصد وجوہات صندوق نذورات وابسته به وزارت اوقاف بهره‌مند می‌شوند و شورای عالی صوفیه به واسطه مشکلات فزاینده مالی، تاکنون موفق به تکمیل ساختمان جدید خود در منطقه الحسین نشده است؛ در حالی که در ماده پنجاه و یکم قانون ۱۱۸، امکان اخذ وجوہات غیردولتی از طرف شیخ هر طریقه مشخص شده است. اما در عمل، شیخ هر فرقه به واسطه محدودیت‌های دولتی قادر به مدیریت مستقل مریدان و احیاناً اخذ وجوہات لازم به طور مستقیم از ایشان نمی‌باشد؛ بنابراین به خاطر کنترل‌های شدید دولتی، شیخ هر طریقه تنها قادر به دریافت وجوہات صندوق نذورات و محدود کمک‌های مالی می‌باشد. این در حالی است که به زعم مسئولان تصوف، اگر دولت بخواهد طبق نص ماده ۵۱ قانون مذکور عمل نماید، شیوخ هر طریقه به کمک گرویدن تعداد زیادی از بازرگانان مصری به سلک دعوت ایشان، به راحتی قادر خواهند بود، مشکلات مالی خود را رفع و رجوع نمایند.

یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات شورای عالی تصوف، مواجهه با دهها مورد تقاضای ثبت و شناسایی فرقه‌های جدید صوفیه است که تاکنون شناسایی نشده‌اند؛ رئیس شورای عالی صوفیه، شیخ حسن شناوی، دلیل اصلی مخالفت شورای عالی مذکور با شناسایی فرقه‌های جدید را عدم تطابق اصول گروه‌های صوفی جدید با نصوص قانونی و اصول دینی حاکم بر شورای عالی صوفیه دانسته و البته نسبت به شیوع گسترده فرقه‌های غیرقانونی و غیر منطبق با احکام و تعالیم اسلامی و تصوف در جامعه مصر هشدار داده است. شیخ حسن شناوری یادآوری می‌کند که اکنون برخی طوایف نوپای صوفی که خارج

از چارچوب شناخته شده تصوف و غیرقانونی فعالیت می‌کنند، از امکانات و تسهیلات مالی و اجتماعی قابل توجهی برای رقابت با فرقه‌های رسمی تصوف برخوردارند (مانند طریقه هاشمیه)؛ چنان که افراد فرقه مزبور در زمان برگزاری انتخابات در مصر پس از انجام ارزیابی‌های دقیق محلی نسبت به امکان پیروزی هر کاندیدا (معمولاً از حزب حاکم) سعی در جذب کاندیدای برتر از طریق تمویل تبلیغات و سخنرانی تبلیغاتی وی در مراکز وابسته به طایفه هاشمیه می‌کنند؛ در حالی که فرقه هاشمیه اساساً فاقد مجوز قانونی برای فعالیت می‌باشد. بنا بر برآورد شیخ حسن شناوری، اکنون تنها در استان آسوان، در جنوب مصر، ۳ میلیون نفر پیروی فرقه‌های تصوف غیرقانونی و ثبت نشده می‌باشند و این موضوع از چهل سال پیش تاکنون ادامه دارد. (شیخ حسن شناوری، جمعیت صوفیان تابع شورای عالی تصوف در مصر را ۱۱ میلیون نفر برآورد کرده است).

بنا بر اعتقاد کارشناسان برجسته دانشگاهی در زمینه صوفیه و همچنین دیدگاه شیخ حسن شناوری، رئیس شورای عالی تصوف در مصر، امروز، جامعه مصر با پدیده به مراتب خطرناک‌تر از شیوع فرقه‌های غیرقانونی تصوف روبه‌روست که همانا ترویج برخی بدعت‌ها و خرافات خارج از اسلام از سوی فرقه‌های رسمی و قانونی صوفیه می‌باشد. در همین خصوص بنا بر تحقیقات مفصلی که دکتر شحاته صیام، کارشناس برجسته صوفیه، در دانشگاه‌های مصر انجام داده است، میلیون‌ها مصری وابسته به ۷۲ فرقه صوفیه، اغلب معتقد به افکار و اعتقاداتی خرافی‌گونه نسبت به تصوف و اسلام می‌باشند. دکتر شحاته در تحقیقات خود، دست کم به پنج مورد خروج از افکار معمول اسلامی و تصوف در کتاب «شراب وصل» امام فخرالدین محمد عثمان البرهانی، یکی از اقطاب تصوف، اشاره شده است. دکتر شحاته می‌گوید، البرهانی و پیروانش، شراب وصل را در حد اعجاز قرآن کریم و البرهانی ذات خود را با ذات اقدس الهی یکی دانسته است. اما برخی طرفداران

آکادمیک تصوف در مصر، این قبیل انحرافات فکری تصوف را به خاطر ویژگی فلسفه‌گریزی تصوف غیر مهم دانسته و بر این باورند که در منظومه فکری تصوف، اصل بر مبارزه نفسانی و تعامل و مسامحه نسبت به انسان و سایر مظاهر حیات می‌باشد؛ بنابراین تمرکز بر اصول فکری و فلسفی هر فرقه از صوفیه نمی‌تواند گویای مفهوم واقعی و اهداف اصلی آن باشد. در هر حال، شیخ حسن شناوری ضمن استقبال از گرایش بخش قابل توجهی از جوانان مصری و به ویژه تحصیلکردگان به تصوف و ارائه تلقی بشارت خیر نسبت به این پدیده، شدیداً در مورد شیوه غیر اسلامی، ضد صوفی و کاسبکارانه طیف وسیعی از مدعیان تصوف هشدار داده است.

تصوف و سیاست در مصر

امروز، عمده‌ترین توجه و اهمیت تصوف در مصر، گرایش کلی آن به اثرگذاری در صحنه سیاسی جامعه است؛ چنان که در اولین کنفرانس تصوف در آوریل ۲۰۰۵ بر ضرورت تسری و تعمیم اصل شورا در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مصر تأکید شد و علاوه بر آن، در پی تعدیل در ماده ۷۶ قانون اساسی مصر، شیخ حسن شناوری و دیگر اعضای شورای عالی تصوف برای تمدید دوره ریاست جمهوری مبارک با وی بیعت نمودند و به این ترتیب، خطمشی کلی تصوف در مصر یعنی تبعیت کامل از حاکم زمان و خودداری از درگیری با حاکم وقت، همچنان ادامه یافته است. علاوه بر آن، ارتباط و تعامل شورای عالی تصوف با سفارتخانه‌های مقتدر خارجی در قاهره (مانند سفارت آمریکا)، امری کاملاً عادی و جا افتاده است و در هر حال، اکنون شیخ حسن شناوری در جایگاهی معادل رهبر مذهبی قبطیان مصر و یا مفتی حکومتی مصر و یا شیخ‌الازهر، از اهمیت و اعتبار سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی برخوردار است.

ارزیابی و نظریه

اگر بخواهیم بر مبنای مفاهیم رفتارشناسی، واقعیت جامعه‌شناسی سیاسی مصر را تجزیه و تحلیل کنیم، بدون شک توجه به اهمیت و جایگاه تصوف، کلید فهم اصلی بسیاری از مسائل مربوط به ارزش‌های اجتماعی و سیاسی مصر خواهد بود. در این رابطه، کافی است به خیل انبوه پیروان تصوف در مصر، سابقه غنی تاریخی و زیرساخت‌های اجتماعی و ارزشی آن توجه کنیم؛ به گونه‌ای که می‌توان به وضوح حضور و بروز عناصر تصوف را در زندگی اجتماعی روزمره مردم مصر و همچنین باورهای اجتماعی و سیاسی ایشان تشخیص داد (مانند اصل مهم احترام و تبعیت از حاکم).

سابقه طولانی مدت تصوف در تاریخ مصر و پذیرفته شدن واقعیت آن به عنوان بافت طبیعی اجتماعی و فرهنگی این کشور، می‌تواند در خلأ ناشی از خسارت‌های کلان فکری و شکست تجربی اندیشه‌های وارداتی نظیر ناسیونالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم اقتصادی و همچنین ناکامی‌های جریان‌ات اسلام سیاسی، به راحتی و در سایه حمایت‌های خارجی ناشی از روند تقویت اسلام سیاسی و حمایت‌های خارجی ناشی از روند تقویت اسلام میانه رو و مسامحه‌جو در برابر اسلام ستیزه‌جو و افراطی به عنوان طبیعی‌ترین بدیل نظام سیاسی مستقر و در صورت ناکارآمدی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی آن در نظر گرفته شود. البته تحقق چنین امری، مستلزم وقوع یک انقلاب فکری اندیشه‌ای در میان نخبگان تصوف در موضوع تقاضای آشکارتر دخالت در سیاست و نقد عملکرد حاکمان زمان می‌باشد. شاید نگرانی از چنین پتانسیل‌هایی در میان اهل تصوف، نظام سیاسی مصر را به سوی کنترل هر چه بیشتر رهبران و نهادهای صوفی رهنمون نموده باشد. در هر حال، محرومیت مؤسسات صوفی از بهره‌مندی از امکانات عظیم اقتصادی میدان و پیروان خود می‌تواند یکی از بهترین ابزار کنترل ایشان در نظر گرفته شود.

خلاصه

۱. جریان فکری تصوف به واسطه سابقه تاریخی طولانی، برخورداری از پیروان فراوان و نفوذ حیرت‌انگیز در لایه‌های فکری و اجتماعی جوامعی مانند مصر به طور طبیعی واجد امکانات و ظرفیت‌های خارق‌العاده‌ای در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی می‌باشد.
۲. در مصر تصوف هم‌ردیف با مفتی رسمی کشور، شیخ‌الازهر و رهبر مذهبی مسیحیان قبطی از شناسایی داخلی و خارجی برخوردار است.
۳. صوفیان مصر در طول تاریخ دراز مدت حضور خود در مصر، همواره شیوه دوری از سیاست و تبعیت کامل از حاکمان سیاسی زمان را دنبال کرده‌اند؛ اما گو اینکه حاکمیت فعلی در مصر و البته برخی جهات خارجی در صددند با بهره‌گیری از امکانات ایشان، برخی مفاهیم نرم‌افزاری سیاست (مدارا، شورا و مشورت و ...) را ترویج نمایند.
۴. در فضای پس از یازدهم سپتامبر (ترجیح غرب به تقویت اسلام معتدل در برابر اسلام افراطی) برخی، ظرفیت‌هایی را برای تصوف در موضوع پل ارتباطی اسلام و غرب در نظر می‌گیرند. علاوه بر آن، امکان کمک به صعود حامیان آن در قدرت مورد توجه برخی جهات بوده است.
۵. در پی صعود حامیان و رواج دهندگان تصوف به قدرت در الجزایر (بوتقلیقه)، یمن و ... برخی مانند ایریک جیوفروی، شرق‌شناس فرانسوی، آینده سیاسی جهان اسلام را از آن تصوف دانسته‌اند.
۶. بزرگ‌ترین مشکل ترویج افکار صوفی‌گرایانه، ویژگی فلسفه‌گریزی ایشان و احياناً ترویج گسترده افکار خرافی و غیراسلامی می‌باشد.

۷. برخی در فضای خلأ ناشی از شکست ناسیونالیسم، سوسیالیسم و... و مشکلات مبتلا به فراروی اسلام سیاسی در مصر از صوفی‌گری به عنوان جریان دارای قدرت جایگزینی موضع موجود و احیاناً بدیل نظام سیاسی مستقر یاد کرده‌اند.
۸. حاکمیت فعلی در مصر به رغم اعلام مکرر تبعیت و وفاداری اقطاب صوفی نسبت به حاکم زمان، سعی کرده از طریق کنترل شدید سیاسی و اقتصادی، به گونه‌ای نظارت بر امور ایشان را تقویت نماید.

منبع:

الاهرام الاستراتیجی شماره ۱۲۸ مورخ اوت ۲۰۰۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی